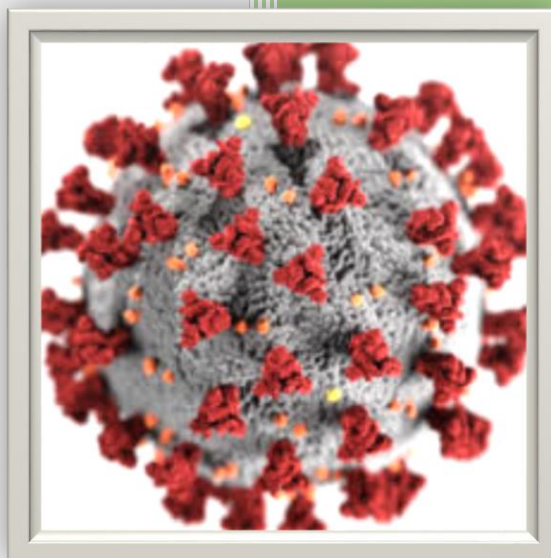


دانشگاه تربیت مدرس



دیدهبانی علمی بیماری کووید ۱۹

گزارش علمی



Scientific Report

چهار پرسش اساسی درباره کرونا

دکتر عباس منوچهری

استاد گروه علوم سیاسی دانشکده علوم انسانی

دانشگاه تربیت مدرس

manoocha@modares.ac.ir

فضای مجازی آمیخته از اطلاعات علمی و شبه علمی است که ممکن است باعث سردرگمی استفاده‌کنندگان شود. هدف از این سلسله مباحث علمی، ارائه اطلاعات معتبر، دارای شناسنامه و تهیه شده توسط اساتید درباره کووید ۱۹ می‌باشد.

۳۰ فروردین ۱۳۹۹

گروه مطالعات علم و فناوری - ۱

در پی تداوم و گسترده‌گی شیوع ویروس کرونا، پرسش‌های زیادی اذهان را در همه جا به خود مشغول کرده‌است. به نظر می‌رسد بتوان این پرسش‌ها را به چهار بخش اساسی دسته‌بندی کرد. البته این پرسش‌ها با یکدیگر پیوند اساسی دارند و هر یک ابعادی از بحران را پوشش می‌دهند. در اینجا از منظری میان رشته‌ای، البته عمدتاً در قلمرو دانش‌های انسانی - اجتماعی، پاسخ‌های اولیه‌ای به این پرسش‌ها داده شده‌است.

۱. چیستی کرونا

اولین پرسش این است که "کرونا چیست؟"؛ یعنی مختصات آن کدامند. البته مختصات بیولوژیک - طبیعی کرونا فقط یک وجه از چیستی آن است. به تعبیری می‌توان گفت، کرونا پدیده‌ای است جهانی با اثرات و آسیب‌های همه جانبه در زندگی بشر در سومین دهه از قرن جدید. از یک سو، کرونا یک پدیده «طبیعی» به نظر می‌رسد، اما از طرف دیگر، احتمال دست‌ساخت بودن آن به صورت جهش یافته هنوز کاملاً منتفی نشده‌است. به هر حال با توجه به ویژگی شیوع سریع و گسترده آن، کرونا به ویروسی ضد مدنی تبدیل شده‌است. یعنی زندگی مدنی را که مستلزم مناسبات متراکم در جوامع است ناممکن کرده و باعث فاصله‌گذاری در جوامع شده‌است. این فاصله‌گذاری و قرنطینه‌ها به کرونا ویژگی ایجادکننده اشکالی از آسیب‌های اقتصادی برای خصوصاً اقشار آسیب‌پذیر، و ایجاد دلهره و اضطراب برای پیر و جوان، کودک و بزرگسال، و زن و مرد را داده‌است. هر چه هست، کرونا ویروسی است که ارتباطات انسانی در دنیای واقعی را بر نمی‌تابد و ضرورت ارتباط در دنیای مجازی را بیشتر از پیش کرده‌است. این بدان معناست که کرونا ویروسی است با مختصات و تبعات اقتصادی، اجتماعی، روانی، سیاسی و در این میان شهروندان در یکسو و حکمرانان و تصمیم‌گیران در سوی دیگر بحران قرار گرفته‌اند.

۲. چرایی کرونا

پاسخ به چیستی کرونا می‌تواند راهبر به پاسخ درست‌تر به چرایی آن هم باشد. همانطور که پاسخ به چیستی کرونا موضوع یک دانش واحد نیست، قطعاً چرایی آن هم به نوبه خود دانش‌های مختلف را برای یافتن پاسخ به یاری می‌طلبد.

دو سناریو در حال حاضر بیش از همه در یافتن منشأ کرونا با ویژگی‌های خاص آن محتمل‌تر از بقیه سناریوها به نظر می‌رسد. یکی اینکه این ویرس برآمده از فرآیندها و مکانیسم‌های دفاعی طبیعت است؛ و دوم حاصل نشت عمدی یا سهوی از آزمایشگاه‌های معینی می‌باشد، فارغ از اینکه هدف از این آزمایش‌ها و پژوهش‌های عملی چه بوده است. هر یک از این دو سناریو، وجود طیف وسیعی از متغیرها را مفروض می‌دارد. اما می‌توان گفت که وجه مشترک

هر دو این است که کرونا نتیجه رابطه میان بشر با طبیعت در ساختار، شیوه تولید و مصرف نظام اقتصادی مسلط بر جهان، یعنی مناسبات سرمایه‌دارانه - فایده‌گرایانه است که ارزش‌های غائی آن سود و لذت است. این ساختار - نظام - برای کسب ارزش‌های غائی خود به استثمار آدم و عالم از زمین و آسمان پرداخته و به زیر زمین تا بالای اتمسفر دست یازیده و آسیب‌های بسیار بر آن‌ها وارد کرده‌است. سرمایه‌داری از آغاز دوران مدرن به سمت فراگیر شدن پیش رفته‌است و به قول امانوئل والرشتاین واضع "نظریه نظام جهانی/World System Theory" در قرن بیستم، هیچ کشوری در دنیا بیرون از نظام سرمایه‌داری نبوده‌است. حتی شوروی سوسیالیستی هم بخشی از همین نظام بود. تفاوت در رتبه و جایگاه کشورهاست نه در درون یا بیرون از نظام و مناسبات سرمایه‌داری. بنابراین، اگر کرونا برآمده از فرآیندهای طبیعی باشد، در نهایت نتیجه رابطه نظام اقتصادی مسلط بر طبیعت است.

بنابراین، بر اساس تبیین تفسیری-معناکاوانه، کرونا نتیجه رابطه انسان معاصر با طبیعت است. به یک تعبیر می‌توان گفت به روایت قرآن کریم، بشر از ابتدای خلقت رابطه خاصی با طبیعت داشته‌است و زندگی و تاریخ او متأثر از نوع این رابطه بوده‌است. به تعبیر علامه طباطبایی در تفسیر المیزان "ظهور فساد در برّ و بحر"، که در سوره روم به آن اشاره شده‌است، همان بلایای طبیعی است که نتیجه اعمال خود بشر است. امروزه می‌توان شاهد آسیب به لایه اوزون و گرم شدن زمین و آلودگی‌های خطرناک حاصل از زباله‌های شیمیایی و اتمی و هزاران نوع آسیب دیگر بود. اکنون کرونا به صورت خاصی نشان می‌دهد که رابطه انسان و طبیعت یک‌سویه نبوده‌است. عموماً در تاریخ، اپیدمی‌ها در پی قحطی‌ها شیوع پیدا کرده‌اند، اما مهم است بدانیم که قحطی‌ها عموماً پس از جنگ‌ها یا دخالت بیگانگان در یک کشور اتفاق افتاده‌است. تبدیل زمین‌های کشاورزی در ایران توسط زمین‌داران به کشتزارهای پنبه برای صادر کردن آن ۴۵ سال قبل از مشروطه در پی بحران پنبه در بازار جهانی پس از جنگ داخلی آمریکا و شیوع قحطی و بیماری در ایران فقط یک نمونه از این "دست ساز بشر بودن" انواع اپیدمی‌هاست. بکاربردن سلاح‌های شیمیایی در جنگ‌های مستقیم یا نیابتی در بخش‌های مختلف دنیا نیز شاهد دیگری برای این واقعیت است.

۳. چه خواهد شد؟

از همان ابتدا، تجربه قرنطینه در چین نشان داد که کرونا شیوه زندگی متعارف بشر در عصر حاضر را به چالش کشیده‌است. کرونا مانع کسب و کار است. کرونا خود-حسی خانوادگی ایجاد کرده‌است و این برای همه سنین و نسل‌های یک خانواده آسیب‌هایی دارد. امروزه دانش "آینده‌نگری/Future Studies" با شناخت سناریوهای احتمالی دست به ترسیم سناریوی مطلوب می‌زند. البته "آینده‌پژوهی" در آغازین مراحل شکل‌گیری آن توسط هرمان کان،

استراتژیست معروف، برای نظریه "امکان پیروزی در یک جنگ اتمی" بکار رفت. اما امروزه آینده‌پژوهی برای اهداف دیگری از جمله توسعه، در کنار اهداف سلطه‌گرایانه و استثمار‌گرایانه بکار می‌رود. کسانی چون سهیل عنایت‌الله و همفکران او چشم‌اندازهای جدیدی را در این زمینه گشوده‌اند و امکان آنچه شاید بتوان "آینده‌نگری انسانی - ارزشی" نامید را فراهم آورده‌اند. بنابراین، علاوه بر پیش‌بینی‌هایی که استراتژیست‌های قدرت‌های سیاسی - اقتصادی در مورد جهان پساکروناپی از منظر توزیع قدرت و ثروت میان "ابر قدرت‌ها" ارائه می‌دهند، می‌توان به مدد "آینده‌نگری" با اطمینان گفت که در پی کرونا، سلامت شهروندان در همه جای دنیا و بخصوص در جوامعی که با چالش‌های جدی اقتصادی - سیاسی هم مواجه هستند، چالشی بزرگ برای هر شیوه‌ای از حکمرانی است. احتمال شیوع ویروسی خطرناک‌تر از کرونا در آینده نزدیک به هیچ وجه دور از ذهن نیست. این در حالی است که در همین ابتدایی‌ترین مراحل شیوع بیماری، اқشار آسیب‌پذیر جامعه ما بطور مضاعفی دچار رنج و مشقت شده‌اند. نان و جان آن‌ها هر دو به خطر افتاده‌است و زندگی بسیاری از مردمان در حال متلاشی شدن است.

۴. چه می‌توان کرد؟

آخرین پرسش از این پرسش‌های چهارگانه این است که "چه می‌توان کرد؟". بدیهی است که از اولین لحظه‌های ظهور اپیدمی کرونا، و اکنون که یک پاندمی شده‌است، راه‌های درمان‌گری و ریشه‌یابی این اپیدمی هم آغاز شده و به شدت ادامه دارد. اما یکی از پاسخ‌های جدی که اکنون با بیان‌های مختلف ابراز می‌شود این است که بشر نمی‌تواند به شیوه مألوف فعلی ادامه حیات دهد. اقتصاد، سیاست و فرهنگ در سطوح مختلف حیات بشری به چالش کشیده شده‌است.

البته در تاریخ فکر، پرسش "چه باید کرد؟" بنیاد علم سیاست بوده‌است که در آغازین زمان‌های شکل‌گیری، با فلسفه، اقتصاد و اخلاقیات، دانش میان‌رشته‌ای را تشکیل می‌داد که بدین گونه پاسخی برای پرسش "چگونه خوب زیستن" فراهم می‌آورد. البته مفهوم "خوب" در تاریخ فکر بشر مورد بحث و جدل‌های بسیار بوده‌است. با این حال در هر زمینه و زمانه‌ای که بحران‌ها و مصائبی گریبان‌گیر جامعه و مردمانی بوده‌است، مفهوم "خوب" معنای خاصی برای متفکران و مردمان - شهروندان پیدا کرده‌است. فلسفه سیاسی همیشه در تلاش بوده‌است که سامان مطلوبی را برای زندگی خوب یا همان خوشبختی شهروندان ترسیم و تمهید کند. امروزه با توجه به تبعات قابل پیش‌بینی شیوع کرونا، چنین کاری فقط به مدد تلاش‌های مشترک میان‌رشته‌ای که شامل علوم انسانی و دیگر قلمروهای دانش می‌باشد، ممکن است.

پیام به سیاست‌گذاران

نتیجه‌ای که می‌توان گرفت این است که با یک همت میان‌رشته‌ای برنامه‌های توسعه و سیاست‌گذاری‌های خرد و کلان مورد بازبینی قرار گیرند تا جامعه و کشور آمادگی لازم در ابعاد اقتصادی، اخلاقی و روانی برای مواجهه با تبعات کرونا از یکسو، و مواجهه با تهدیدات احتمالی آنچه شاید بتوان "سوپر کرونا" یا "هایپر پاندمی" نامید، از سوی دیگر را داشته باشد. بدیهی است که انجام چنین کاری مستلزم برقراری رابطه جدیدی میان نظام دانایی در کشور با نظام تصمیم‌گیری است. نظام دانایی نیز ضروری است که از حالت جزیره‌های منفصل از هم خارج شود و با ایجاد پیوندهای علمی میان دانش‌ها به مصاف تهدیدات بنیان برافکن برود. یکی از عاجل‌ترین اقدامات بازسامان‌دهی نظام سلامت به مدد رشته‌های مختلف است تا این سامانه سلامتی به گونه‌ای تمهید شود که همه بخش‌های جامعه بتوانند در لوای یک چتر حمایتی کارآمد قرار گیرند و آسیب‌های جدیدی به زندگی آسیب‌زده آن‌ها وارد نشود. از طرف دیگر، به نظر می‌رسد گفتگوی میان ادیان و فرهنگ‌ها بیش از همیشه برای ابنای بشر ضرورت پیدا کرده‌است.

منابع

۱. علامه طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، جلد ۱۶ و جلد ۲، ۱۳۸۹.
۲. منوچهری، عباس. مروری بر کتاب گسترش اسلام و اروپا: شکل‌گیری یک نظام جهانی. مطالعات خاورمیانه، شماره ۲، ۱۳۷۹.
3. Immanuel Wallerstein, World System Theory. Academic Press. 1974.
4. Heidegger, Martin. Vorträge und Aufsätze. Günther Neske. 1954.
5. Inayatullah, Sohail. "Causal Layered Analysis Defined". The Futurist. World Future Society. 48 (1). July, 2014.